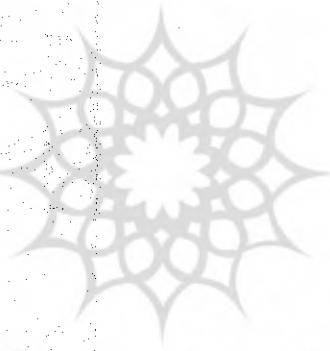


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرستال جامع علوم انسانی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرستال جامع علوم انسانی

# شهر باستانی دربند و حصار آن

قبایلی که از زمان مادیها در  
شمال کوههای قفقاز پراکنده  
بودند گاهگاه به سرزمینهای  
قفقاز مسافرند آران، وان،  
گرجستان و داغستان هجوم  
هیبردند.

در کتاب منسوب به هرودت  
آمده است که سکاها از دربند  
بس رزین ماد تاختند ولی  
کتریاس نوشته است سکاها در  
این زمان از راه کناره دریای  
مازندران از راه خراسان و  
گران بسرزمین آذربایجان  
و آران تاخته‌اند گذشته از  
سکاها آلانها، هونها، تاتارها،  
خزرها، چیجینها، اینگوشها،  
وقبایل دیگر همه از آنسوی  
کوههای قفقاز رو بجنوب  
آورده‌اند.

شاهنشاهی بزرگ هخامنشی از زمان کوروش بزرگ به اهمیت نظامی و سوق الجیشی ناحیه دربند پی برد، کوروش بزرگ در این منطقه درهای نظامی بسیار کل و سنگ برپا داشت ولی پس از توجه سکاها به استیپهای روسیه واو کراین مدتی این منطقه از تاخت و تاز آنان برگزار ماند. ها درباره چگونگی این استحکامات در زمان اشکانیان آگاهی درستی تداریم چنانکه در باره تاریخ اشکانیان نیز که چهارصد و هفتاد سال در کمال نیرومندی پادشاهی داشته‌اند و در بیشتر جنگها امپراتوری روم را بزانو درهیا وردند آثاری بر جا نمانده در آن زمان نیز بی‌شک در این بخش مرزی و کوهستانی حوادثی رویداده است. تنها در زمان بلاش اول و بلاش دویم درباره تاخت و تاز آلانها که از قبایل ایرانی بوده‌اند از دربند داریال مطالبی نوشته شده است.

در بند داریال در شمال گرجستان تکه ایست که اکنون از جنوب به گرجستان و از شمال به سرزمین آس‌ها (اوست شمالی) راه دارد اهمیت داریال پس از دربند است اما در بند همترین نقطه نظامی بود که قفقاز شمالی را بسیار سرزمینهای آران و ارمنستان و آذربایجان مربوط می‌ساخت و ازین‌رو دارای اهمیت نظامی و بازارگانی بسیار بوده است.

درباره دربند و بند آن یاقوت در معجم البلدان مینویسد: « این سدیاد گار نوشیروان شاهنشاه ساسانی است که آنرا برای جلوگیری از تاخت و تاز قوم خزر به ایران ساخت و دری آهنین بر آن نهاد. »

درباره سد دربند حمزه اصفهانی نیز در اخبار پادشاهان در شرح احوال خسرو انوشیروان مینویسد:<sup>۱</sup>

« وی سد دربند یا باب‌الابواب را نیز بنا کرد که طول آن از دریا تا

۱- سنی ملوك الارض والا نبياء «تاریخ پیامبران و شاهان» ترجمه آقای جعفر شمارصفحة

۵۶۵ صفحه از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

کوه در حدود ۲۰ فرسخ است و بر هر ناحیه آن امیری از سپاه گماشت و آنجا را به اقطاع وی داد و از آبادانیهای آن ناحیه طعام ایشانرا فراهم کرد و چنان قرارداد که آن ناحیه با ضیاع خود پس از مرگ حاکم وقف اولادش باشد و فرزندان ایشان تا این زمان نگهبانان نواحی سد هستند و هنگام فرستادن هر امیر به نگهبانی هر زی که بدان جا تعیین شده بود خلعتی از دیبا منقش بنوعی از تصویر بهوی میبخشید و آن امیرشاه شده (ملکت) را بنام همان صورت مینامید از این رو القابی از قبیل بغران شاه، شروان شاه، فیلان شاه، آلان شاه پیدا آمد و یکی از ایشانرا بمناسبت تختی سیمین که خاص او کرده بود سریرشاه نامید و عربی هملک السریر است و «سریر» اسم فارسی است نه عربی و بمعنی تخت کوچک است.

نام دربند: نام دربند یک نام پارسی است بمعنی گذرگاهی که درداشته باشد. در بسیاری از جاهای ایران چنین نامی دیده میشود از جمله دربند یک تهران و شیراز و تبریز، نام دیگر دربند را دربند دریای گرگان (دروازه بحر خزر)<sup>۲</sup> دروازه دریا و دربند آهنین<sup>۳</sup> گفته اند ازینرو بزبان عربی باب الحدید و «الابواب» گفته شده.

در واژه باب و ابواب و باب الابواب والابواب اختلاف پیش آمده است: «در لغت (باب) و (ابواب) در کتابهای جغرافیای عصر اسلامی نخست بشکل مذکور در بالا بکار میرفته و باهر کدام این نامهایک جا را هینامیده اند زیرا هریک از آن واژه ها ترجمه یک واژه فارسی جدا گانه است. لیکن سپس در نسخه برداریها (و) عطف از میانه آنها افتاده و نویسنده گان متأخر<sup>۴</sup> هردو

#### ۲- کتاب تاریخ مشیرالدوله

۳- این شهر را دربند آهنین خوانده اند که قازیان آنرا باب الحدید ترجمه کرده اند نام آن شروان نیز بوده و از بنایهای نوشیروان خوانده اند دربند را عربان به «الباب» ترجمه کرده اند و دیگر دربندها را «الابواب» فرنگی، واژه های فارسی در عربی ذیر واژه باب الابواب نوشته آقای امام شوستری دیده شود شروان را نیز معرف کرده شروعین گفته اند.

#### ۴- الدیارات شابشته صفحه ۱۵۲

نام را بشکل مضاف و مضاف‌الیه بکار برده‌اند.<sup>۵</sup> ابی‌الفدا با اینکه نام را بشکل (باب‌الابواب) آورده است لیکن در توضیحات خود افزوده است: «در زمان ما شهری بنام (باب‌الابواب) وجود ندارد و در آنجا شهری بنام (باب‌الحدید) دربند آهنین است»<sup>۶</sup>

ابن خرداد به بجای واژه (دربند) ترجمه آنرا بشکل «مدينة الباب» بکار برده و بنای آنرا بخسرو اول انوشاوان نسبت میدهد<sup>۷</sup> و می‌افزاید «ابواب (دروازه‌ها) دژهایی است مشرف بر گذر گاهها در کوهستان و شماره آنها ۳۶۰ دژ است». در دنباله مطلب زیرعنوان «فاما الباب» باز گوید: «اینهادهانه دره‌ها در کوهستان قیق (فقاڑ) است که دره کدام بارویی است. از آنها است: دربند چول (باب‌صolu)، دربند الان، دربند شابران، دربند لازقه (لزگیها) دربند بارقه (بارگه) دربند شماخی «سمختی» دربند تخت‌دار (صاحب السریر). دربند پیلان شاه . دربند کاروقان»<sup>۸</sup>

دربند تبر سرانشah . . . . . دربند لیرانشah . دربند انوشاوان<sup>۹</sup> و شهر سمندر در پشت دربند است. همچنین نویسنده زیرعنوان «حجاج کسری» باز واژه را بشکل «باب والابواب» بکار برده است. پس تردیدی نعیماند که استعمال کلمه بشکل (باب‌الابواب) غلطی است که از نا‌گاهی برخی نویسندگان هم‌آخر از جفراء‌بیان کوهستان قفقاز در دوران اسلامی ناشی شده است.

«باب سبک شده «باب‌الحدید» است که ترجمه واژه «دربند آهنین» فارسی است و در فارسی آنرا سبکتر کرده و دربند خوانده‌اند و منظور از «الابواب» که ترجمه واژه (دربندها) است، دربند‌هایی بود که بفرمان قیاد ساسانی و پسرش

۵- له سترنج صفحه ۲۱۴ نزهه ص ۲۱

۶- تقویم البلدان صفحه ۲۰۱ و ۰۴

۷- المسالك صفحه ۱۲۳

۸- نسخه بدل طاروفان

۹- المسالك صفحه ۱۲۴

انو شروان در دهانه دره های کوهستان قفقاز ساخته بوده اند و چنانکه در بالا گذشت ۳۶۰ دژ در درازای کوهستان برای جلوگیری از تاخت و تاز خزران و آلانهای آذر بایجان و شروان و اران پدید آورده بوده اند».<sup>۱۰</sup>

مسعودی<sup>۱۱</sup> مینویسد: «انو شیروان با روی در بند را تایک میل در دریا برد و از سوی دیگر تا کوه قبغ»<sup>۱۲</sup> ازین رو معلوم میشود قلعه در بند را قباد ساخته و انو شیروان دیوار سنگی قلعه را از دو سو چنانکه در شکل دیده میشود تا دریا پیش برد است کوه کبیج نیز همان کوه تابه سران است که امروز بدین نام شهرت دارد. در گنج دانش چنین آمده است:

«باب الابواب از شهر های معتبر داغستان است در بالای کوهی قلعه محکمی هجاور شهر ساخته شده است، معروف است که اسکندر رومی بنای این شهر نموده و انو شیروان عادل حصاری بر آن نهاده قولی هم هست که اسکندر بدر بند نیامده و بلکه در حیاتش از سردارانش هم نیامده اند ...»

قلعه این شهر تا کنار دریا کشیده شده در قدیم درهای آهن بآن نصب بوده و بنای آن دیوار را انو شیروان برای دفع و منع ورود طایفه خزر که در آنوقت وحشی بودند و سرحد ایران را هشتوش هیکردن ایجاد نمود گویند این دیوار در تمام طول کوه قفقاز همتد و منتهی بدریای سیاه میشود مسافر که از خارج میخواهد بدر بند داخل شود ابتدا جز دیوار خرابه سنگی که از دریا شروع شده است چیزی بمنظرش نمی آید. و همچنین توشه است:

«باب الابواب در بند شیروان است این شهر در کنار دریای خزر است.»  
اصطخری<sup>گوید</sup>: شهریست که بسیار اوقات آب دریا وصل بدیوار آن میشود در وسط اسکله ایست که دوس دار و سوی دریا با سنگ ساخته و با سرب

۱۰- فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی از آقای سید محمد علی امام شوستری

۱۱- مروج الذهب جلد ۱

۱۲- کابخ Kabkh - قبغ و قبغ و کابخ بمعنی کوه است

محکم نموده و مدخل را گردانیده و اجتناء داده‌اند و در دهنہ آن دو زنجیر آهن کشیده‌اند که دخول و خروج بی‌اذن ممکن نیست این شهر از اردبیل بزرگتر است و مساحتش دومیل مربع است وزر اعتش بسیار رسیده کم خواهد بود که آنرا از نواحی می‌آورند و دیوار طولانی کم عرضی از سنگ که ابتدا می‌شود از کوه برای محفوظ و محروس بودن شهر ساخته‌اند و راهی از کوه ببلاد مسلمین ندارد . . . و علاوه بر اهتماد دیوار هستور نیز قطعه‌ای از آن که خیلی شبیه است بدهانه طولانی در دریا کشیده شده که کشتیها نتوانند زدیک شوند و این دیوار محکم از بنای‌های عالی و آثار تدابیر افسوس‌واران داد گرست و این شهر یکی از سرحدهای معظم و شفور صلیبیه است . . . و معروف است که در بالای کوهی که ممتد و متصل است بباب‌الابواب و دیوار مذکور را روی آن ساخته‌اند زیاده از هفتاد فرقه سکنی دارند که زبان یکدیگر را نیز ندانند و سلاطین عجم در حفظ این دیوار و مواظبت این سرحد کمال اهتمام را داشته‌اند و دقیقه‌ای از دقایق محاربست آنجا را فروگذار نمی‌کرددند ولوازم و مدارک و مصالح آنرا همیشه حاضر و مدام موجود داشته‌اند زیرا که میدانسته‌اند این سرحدی است پرخوف و خطر و غفلت از آن مورث صدمه و ضرر کلی است و از عساکر خاصه حاضر خود که با آنها اطمینان داشتند مستحفظ و ساخلوئی برای آن انتخاب می‌کردند و سران و سرداران ایشان را مأذون و مختار می‌کردند که هر قدر بتوانند در آن زراعت و آبادی کنند و مالیه دیوانرا از ایشان نمی‌گرفتند محض آبادداشتن آنسرحد و چنان‌که باید محکم و محروس بوده تا از لشکر اعادی ایمن باشد . . . از طوایفی که مخصوص حراست این شفر بودند یکی طایفه تبرسراں بودند و یکی طایفه فیلان و یکی جماعت‌لزگی که نهایت عدت و جمعیت داشتند و نیز طایفه شیروان وغیره که بجمعیت کمتر از دیگران بودند . . . بالجمله بباب‌الابواب فرضه و اسکله

۱۳ - چنین است در اصل شاید خاک آنرا بوده.

دریای خزر است که طوایف خزر و سرسر و سندان و جندان و کرخ وغیره در اکناف آن ساکن‌اند . . .

(وسپس درباره مردم این سرزمین مینویسد) : « . . . در آن حوالی ولایتی است جزو تبرستان که مردمش بلندقد و قوی و خوب هم زراعت میکنند لکن مردم قوم لرگی عدداً بیشترند و خاکشان وسیعتر و بالا دست ایشان قبیله فیلان همیباشد و خاکشان وسعتی ندارد و علاوه بر قصبه مسقط نیز در کنار دریا شهر شابران است که کوچک و محکم است و در اطراف آن قصبات واقع میباشد در باب دیوار بزرگی که ذکر کردیم اعتقادات مختلف است از جمله ابوالعباس طوسی در باب بنای آن دیوار بزرگ مینویسد : در وقت خلافت خود منصور از ماسیوان کرد که آیا میدانید چرا افسیر و ان دیوار بباب الابواب را ساخت و یانه جواب گفتند اطلاع نداریم منصور گفت : (دراینجا شرحی درباره تاخت و تاز خزان به شمال ایران گفته و داستانی از افسیر و ان خاقان خزان نقل میکند که قرار گذاشتند دیواری میان سرزمین خود بکشند که از دو سو به یکدیگر تجاوزی نشود . ) . . . و افسیر و ان در آنجا بماند و ابتدا از سنگ و سرب دیواری ساخت که سیصد ذرع طول داشت و ارتفاعش محاذی رؤس جبال بود و دیوار را تا دریا امتداد داد و حکم کرد از قعر آب دیوار را مثل دیوار خشکی کشیده و درهای آهنسی برای آن قرارداد و بصد نفر سپرد . . .<sup>۱۴</sup>

در آثار البلاط آمده است که بباب الابواب شهر عجیبی است در کنار دریای خزر که با سنگ ساخته‌اند و وضعش مستطیل و طولش قریب ثلث فرسخ و عرضش خمس فرسخ و دروازه‌های آن آهنسی و برجهای زیاد دارد و در هر برجی همسجد دیست برای مجاورین و طلاب علوم و این شهر از بناهای افسیر و ان عادل است در پهلوی او کوهی است که دماغه او پیش آمده است.

در آثار الاول است که باب نام چهارموضع است رابع اینست که بباب الابواب گویند

۱۴ - گنج دانش از محمد تقی حکیم چاب سنگی در دارالعلفه طهران ۱۳۰۵ق

و شهریست در ساحل دریای خزر که صور طلسمیه در آنست جهته دفع اترالک بی بالک در اینزمان عثمان پاشا بن از میر وزیر سلطان مراد خان بن سلطان سلیم خان عثمانی آنجا را مفتوح نمود و در آنجا قلعه‌ها ساخت و این شهر را اندوشیروان در شب کوه ساخت این کوه قبیح و از قفقاز است. در مآخذ ارمنی اوایل سده‌های میانه در بندر اچو گا یا چورا (جورا) نامیده‌اند و این مآخذ از سرزمینی بنام جورا و دولت محلی آن آگاهی داده‌اند و هنوز در نزدیک در بنده بخشی است که به چوره‌های این شهر الا کی‌ها چوروں و دارگاه‌ها چولی هینا هند بخش چور در سده پنجم و ششم یکی از کانونهای دین مهری و سپس مسیحیگری در قفقاز بوده که اسقف نشین شده است ولی در میانه سده ششم میلادی برادر تازش خزران بداجا این هر کز به شهر پرتو (شاید بردع یا بردعه) انتقال یافت نوشته‌اند کرسی ایالت آران در سده چهاردهم هجری بردعه یا پرتو بود که خرابه‌های آن بر جاست این حوقل مینویسد طول آن یک فرسنگ و عرض کمتر از یک فرسنگ است و چهار گوش و دارای دژی است در سه فرسنگی رود کر (کورا) در کناره یکی از شاخه‌های آن رود . . . بزبان روسی قدیم نیز به دربنده در واژه‌های آهنین یا در بنده گفته‌اند و به داغستانی چولی و چرول و بهتر کی عثمانی دمیر قاپیسی گفته شده است که ترجمه در بنده آهنین است.

در بنده یکی از باستانی ترین نقاط شهرهای قفقاز است و در کرانه‌غربی دریای هزار ندران نزدیک مصب رود سامور واقع است در دزو سوی مصب سامور کوههای تبرسرا ن تا کناره دریا پیش آمده است. مورخان رومی و یونانی گذرگاه در بنده را در واژه آلبانی یا در واژه خزران نامیده‌اند و گرجی‌ها آن را دو گویس کاری<sup>۱۰</sup> یعنی در واژه دریا خوانده‌اند.

نام پارسی در بنده در مآخذ ارمنی در یک کتاب جغرافیا از سده هفتم میلادی آمده است. در تاریخ ایران از زمان هایها نام تنگه در بنده دیده می‌شود. در بنده

وداریار دو گذر گاه کوهستانی بوده که از آنجا سکاها، هونها، خزران، آلانها، روسها، تاتارها، خواسته‌اند به جنوب رخنه نمایند. گذشته ازین گاه دولت شاهنشاهی ایران و امپراتوری روم یاروم شرقی (بیزانس) مسلمانان، سلجوقيان، مغولان، عثمانیان در این ناحیه در گیری داشته‌اند.

از زمان شاهنشاهی هخامنشیان استحکاماتی با خشت و سنگ در دربند درست شده و تا آنجا که در تاریخ اشاراتی هست مرزبانان اشکانی و ساسانی ازین ناحیه نگهبانی می‌کرده‌اند.

از هآخذ یونانی و رومی چنین بر همیاًید که در نیمه دویم سده یکم میلادی در زمان فرهاد پنجم شاهنشاه اشکانی دربند دارای استحکامات محکمی بوده است.

در سده پنجم میلادی دربند نه تنها از نظر نظامی بلکه از نظر بازار گانی و سیاسی اهمیت بسیار یافت در آغاز پادشاهی قباد شاهنشاه ساسانی (۵۳۱-۴۹۱ م.) برج و باروی دربند با سنگهای بزرگ نوسازی شد و اتوشیروان داد گر (۵۷۹-۵۳۱ م) که خود در جنگها شرکت می‌کرد و از دربند دیدن کرده بود بر استحکام آن بیفزود و در قلعه دربند ارک و انبار ساز و برج و آب‌انبار و ساختمان برای زندگانی پادگان نظامی درست کرد. سنگ نبشته‌های ساسانی در کوه‌های دربند نشانه اهمیت این نقطه از نظر نظامی و تاریخی در آن زمان است.

پس از برافتادن شاهنشاهی ساسانیان در سده هفتم میلادی مسلمانان بفقفاز روآوردند و میان آنها و مردم داغستان و خزران در گیری تازه‌ای رخ داد در این جنگ وجدال برخی از شاهزادگان ساسانی با خزران همراه بودند.

نوشته‌اند سلمان بن ربيعه بابلی در زمان عمر به قفقاز لشکر کشید تا بعمارت و رودخانه بلکه رسید و آنطرف رود با لشکر خاقان دچار شد سلمان با چهار هزار تن از هتابعینش کشته شدند ...

وجای دیگر نوشته‌اند ابوموسی اشعری بعد از فتح اصفهان در سنه ۱۹- هجری سراقة بن عمر را بطرف باب‌الابواب فرستاد سرکرد لشکر او عبدالرحمن بن ربیعه بود و بعد از کوشش بسیار شهر را تصرف کرد بدینگونه در سال ۷۳۴ میلادی مسلمانان بدربند دست یافتند و خزران را بشمال راندند در این زمان دربند مرکز امیرنشین حکومت اسلامی شد و بنابر شواهد تاریخی در آن‌ها دربند از شهرهای بزرگی چون اردبیل و قلعه بزرگتر بود.

والی ارمنستان بنام مسلمه بن عبدالملک در دربند حکومت یافتد. مسعودی مینویسد: «هجاور کشور شروان در جبل قبچ مملکت طبرستان است که اکنون شاه آن مسلم برادرزاده عبدالملک است که امیر دربند است و این نخستین قوم نزدیک دربند است.<sup>۱۶</sup> مسلمه بن عبدالملک در دربند به مرمت خرابیها پرداخت و راه آب دربند را که خراب شده بود و دروازه‌های آن‌ها آنرا درست کرد و قلعه تاریخی را مستحکم نمود.»

مسعودی درباره کوه قبچ مینویسد: «کوه قبچ کوهی است شامل هفتاد و دو قوم که هر قوم شاه و زبانی دارد و شهر بسیار وابواب بر یکی از تنگه‌های آنست.»

شهر دربند در این زمان هفت بخش هیشد و دارای مسجد و شبستان گشته راه‌های آسیای میانه (سفید و خوارزم) واروپای شرقی و راه رودهای دن و ولگا همه بدربند منتهی هیشد و پس از آن آگاهی‌های درستی از آن نداریم.

ابی الفدا در تقویم البلدان «در بخش شمالی از زمین» چنین می‌افزاید:

«آنچه از<sup>۱۷</sup> و آن بندریست از بندرهای گرج و گرجان نصرانیند و طول آن بندر سبع درجه ل دقیقه و عرض آن هودرجه در کتاب عزیزی آمده است شهر انجاز بزرگ معروف به ارطنوج است. ابن سعید<sup>۱۸</sup> گفته در مشرق انجاز

۱۶- مروج الذهب جلد اول در ذکر جبل قبچ

۱۷- همه‌جا در تقویم ابی الفدا بجای انجاز انجاز آمده است شاید اشتباه چاپ باشد

۱۸- چنرا فیانویس آن‌لای

در کنار دریا شهر علانیه نهاده است و آن شهر یست که گروهی از مردم الان<sup>۱۹</sup> نشیمن دارند و آنها ترکهایی<sup>۲۰</sup> هستند که نصرانی شده‌اند طول آن سطدرجه و عرض آن مودرجه است والانها مردم بسیاری در این ناحیه‌اند در پشت شهر دربند و دروازه‌ها و در همسایگی آنها قوهی از ترک؛ خانه دارد که آنها را آس گویند و این آسهابر روش و دین آلانها هستند قلعه‌الان یکی از قلعه‌های استوار جهان است که سربابر دارد و جایی نهاده است که طول آن عرض درجه و کد دقیقه و عرض آن هه درجه و م دقیقه و آن قلعه بر قله کوهیست که در پهلوی دربند آهنین است و گفته شده که تترها کوشش زیادی برای گرفتن قلعه کرده‌اند و آنرا نتوانسته بگیرند هرگز پس از زمان درازی با نیر نگ.

اما آنچه در شمالی دیوار است (دیوار دربند) و دروازه‌ها در آن ساخته شده امروزه آن جزء مملکت بر که<sup>۲۱</sup> سلطان است که تتر مسلمانند.

در مشرق سر زهین الانها شاخه‌ای از دریاست که بدریای سینوب شهر خزران پیوسته می‌شود و آن منسوب است به خزران قومی که رو سه آنان را نابود کردند و این دریا گاهی بدریای خزرخوازده می‌شود<sup>۲۲</sup> و آن جایی است که طول آن عا درجه و عرض آن هه درجه و ل دقیقه و این شهر بر رودی است که از گوشش شمالی در این دریا میریزد.<sup>۲۳</sup>

دربند در زمان سلجوقیان و خوارزمشاهیان جزء کشور ایران بود و در آخر سده نهم میلادی دودمان هاشمیان در دربند فرمانروایی داشتند (۸۶۹-۱۰۶۶).

۱۹- آلان- آلبان- ال وال بمعنی کوه است والبانها بمعنی نگهبانان کوهستان

۲۰- همه‌جا ترک را در برابر تاتار می‌گذاشت

۲۱- بار که

۲۲- شاخه دریای سیاه دریای خزر نام داشته و دریای آزف بوده نه دریای مازندران در برخی از کتابهای دیگر نیز چنین آمده است

۲۳- تقویم البلدان ابی الفدا صفحه ۲۰۳ چاپ پاریس ۱۸۴۰م

ازین پس در بند هدتی هر کز حکومت سریر، لکز (لاکز) تبرسran (تابهسران) قیطاق (قایناتق، بویناق) وزریگران (زره‌سازان) و شروانشاهان بود.

شروانشاهان از زمان نوشیروان در قلعه شروان و نقاط دیگر داغستان بوده‌اند. وازشاهان مرزی بودند نوشته‌اند: « شروین نام قلعه شروان است و نام یکی از فرزند زاده‌های ملک کیوس « کاووس » برادر انسو شیروان است<sup>۲۴</sup> ». شروانشاهان بنابر نوشته بیشتر نویسنده‌گان دودمان خویش را به بهرام گور ساسانی رسانده و خود را خاندان ساسانی و نوشیروان میدانستند و از شاهان مرزی وازشاهزاد گانی بوده‌اند که مرزبانی داشته‌اند. مسعودی در مروج الذهب از شاهی شروان نام می‌برد که مملکتش ازو نام گرفته. ابو ریحان بیرونی آنان را از نسل اکاسره و ساسانیان دانسته است.<sup>۲۵</sup>

مسعودی از محمد بن یزید شروانشاه نام می‌برد و او را از نسب بهرام- گور دانسته<sup>۲۶</sup> مسعودی خود از معاصران شروانشاهان بوده و از کشور آنان دیدن نموده است.

دولتشاه نسبت شروانشاهان را به بهرام چوین از سرداران ساسانی میرساند ولی خاورشناس روسی ولادیمیر هینورسکی در این نسبت تردید رواداشته است.

برخی از کتابهای نویسنده‌گان اسلامی نسب شروانشاهان را به بهداد پسر جاماسب حکیم ساسانی رسانده‌اند درسته یا زدهم میلادی فرمانده نگهبان

۲۴ - برhan قاطع زیر واژه شروین

۲۵ - آثار الباقيه

۲۶ - مروج الذهب چاپ مصر جلد ۱ صفحه ۷۷ در ذکر جبل قبیح

دربند بر شروانشاهان یاغی شد و چون شروانشاهان خواستند دربند را بگیرند و براو تاختند خان دربند بروسها متول شد ازینرو توفیق نیافتند. آخرین شروانشاه نیز برشاه طهماسب صفوی یاغی شد و شاه طهماسب او را در سال ۹۴۵ هجری اسیر و گرفتار ساخت و یکساں پس از گرفتاری در گذشت و بدینگونه پادشاهی آنان پایان پذیرفت.

پیش از شروانشاهان چگونگی دست یافتن مغولان به داغستان و دربند ناگفته‌ماند لشگریان مغلوب چون به دربند رسیدند قلعه و حصار شهر تسخیر ناپذیر بود و چندی به پشت دیوار در پیکار بودند و راهی بدرون شهر و قلعه پیدا نمیشد تا آنکه بر اهتمائی یکی از مردم دهستان در بالای کوه تابه سران سرچشمۀ آبی که به انبار آب حصار دربند راه داشت یافتند چون در قلعه دربند مخزن بزرگی ذخیره آب بود و چشمۀ کوچکی هست اگر آب را هی بستند باز سودی نداشت مغولان شبانه چند گوسفنده کشته و خون آنها را در آب چشمۀ ریختند و چون خون به مخزن آب قلعه راه یافت پس از چند روز آب مخزن به گندابی تبدیل شد و ناچار نگهبانان قلعه از بی آبی تسليم شدند. مغولان در سال ۱۲۳۹ میلادی بدربند راه یافته و برج و باروی شهر را خراب و ویران نمودند، در سال ۱۴۷۵ و ۱۴۷۶ میلادی که نماینده دولت و نیز کنت تارینی در دربند بود نوشه است: «فقط یک ششم جمعیت در قلعه زیر کوه زندگی میکنند بقیه شهر از طرف دریا خراب و خانه‌ها ویران است. پس از آن مدّتی تیموریان «هیرزایان» و ایلخانیان در داغستان حکمرانی داشتند سپس در جنگهای ایران و عثمانی در زمان صفوی و پیش از نادرشاه چندبار دربند بدست عثمانی‌ها افتاد ولی پادشاهان صفوی و نادرشاه آنان را از آنجا راندند در جنگی که نادر با عثمانیان نمود و مردم داغستان و

گرجستان در ارمنستان همراه او بودند عثمانیان شکست سخت خوردند و نادرشاه تا قلعه قارص پیش رفت و عثمانیان درخواست صلح نموده بشراحت نادرشاه تن دادند.

در مآخذ روی آمده است که در ۱۴۶۵ میلادی پادشاه شروان و دربند فرخ یسار بود فرستاده‌ای بنام حسن بیک بنزد ایوان سوم تزار روس فرستاد. سال دیگر روسها فرستاده‌ای بنام واسیلی بهمراه بازرگانان روس بدربند فرستادند و پس از آن دربند با حاجی طرخان روابط بازرگانی برپاداشت. مسافری روس بنام فدوت کتوف که در سال ۱۶۲۳ میلادی بدربند رفته‌نشوشه است شهر دربند شهری است استوار و محکم واژ سنگ سفید حصاری بدور آن کشیده است اما جمعیت آن اندک است یکطرف شهر بکوه و طرف دیگر شهر دریاست طول شهر بیش از سه کیلومتر و عرض آن سیصد قلاچ (باندازه‌ای که دودست را باز کنند) شهر در دو جا بدوبارو قطع می‌شود و شهر به سه بخش تقسیم می‌گردد.

پطر کبیر برای اکتشاف بازرگانانی سوی قفقاز فرستاده بود از جمله ولینسکی نامی را بدربار شاه سلطان حسین فرستاده بود تا اطلاعاتی درباره ایران و قدرت نظامی آن و سرزمینهای قفقاز هائند داغستان و دربند کسب نماید در این زمان فتحعلیخان داغستانی در اصفهان صدارت داشت.

ولینسکی پس از انجام مأموریت به حکومت حاجی طرخان منصوب شد و یکی از وظایف او آن بود که مرتب از نواحی هرزی ایران و داغستان و دربند بوسیله بازرگانان آگهی پیدا کند و به پطر کبیر گزارش دهد در این زمان بواسطه ضعف حکومت شاه سلطان حسین اوضاع ایران روبه آشتفتگی میرفت.

در ۲۳ اوت سال ۱۷۲۲ میلادی پطر کبیر بدربند آمد و بواسطه ضعف حکومت هر کزی امام قلی فرمانروای ایرانی قفقاز پس از مقاومت مختصری کلید قلعه را به پطر سپرد و پطر کبیر در خانه‌ای در دربند چند گاه اقامت کرد ولی روسیه نتوانست دربند را نگاهدارد پطر کبیر به سن پطر زبور غ باز گشت. چون نادرشاه عبدالله پاشا سردار عثمانی را در نزدیک ایران شکست داده بقتل رساند لشکریان عثمانی پراکنده شدند نادرشاه در سال ۱۷۳۵ میلادی قلعه گنجه را تسخیر کرد و قفقاز را از وجود عثمانیان پاک کرد روسها نیز در بند را تخلیه کرده عقب نشستند و باز در بند با ایران پیوست نادرشاه پس از مرمت دیوار قلعه کاخی برای اقامت خویش و فرماندار در بند ساخت و انبار مهمات و محلی برای پادگان نظامی برپا داشت. پس از آن لشکر کشیهای نادرشاه بورارود و افغانستان و هندوستان آغاز شد نادرشاه برادر خود ابراهیم خان ظهیر الدوله را بفرمانداری داغستان منصوب داشت. گاه برخی از قبایل داغستان بویژه لزگیها از فرعان او سرپیچی میکردند چون آوارها با او همراه بودند ابراهیم خان با قبایل یاغی در گفتگو بود آنها شرایطی برای صلح داشتند و او نمی‌پذیرفت روزی لشکریان ابراهیم خان در اندلال بود و از دره کامون و دژ خیستی میگذشتند لزگیها از تنگه کوهستانی بر او تاخته ابراهیم خان را غافلگیر نموده واورا در زکتان کشتنند. نادرشاه در پیشاور در راه دهلی بود که این خبر ناگوار باو رسید ولی بکار خویش و پیشرفت سوی دهلی ادame داد نادرشاه در بازگشت از هندوستان از راه جنگل گرگان و مازندران سوی داغستان میرفت که با وسو و قصد شد و چون بداغستان رسید برای گوشمال سرکشان هجده ماه در آنجا ماند و با اشرار جنگید لشکریان نادر در محلی بنام ایران خراب بود که در غرب دربند است هنگام

لشکر کشی به جارو تله نزدیک ده چوخ بلشگریان او در کوهستان تلفاتی واردشد . بواسطه کوههای سخت نادر شاه نتوانست همه سر کشان را دستگیر کند ، در شعرهای غنائی و حماسی داغستانی که بزبان آوار و دار گا ولز گ هست هنوز از مردانگی های نادر و رشادت او سخن ها گفته می شود .

در سال ۱۷۶۵ میلادی نادر شاه کشته شد فتحعلی خان قبه ای ملک شمشخان و قیطاق در بندر ابها خانی قبه ملحق کرد اما پس از آن برخی از سران داغستان در بندر را محاصره کردند و در سال ۱۷۷۵ م لشگریان روس امرای داغستان را که به او خواهی ایرانیان در بندر را محاصره کرده بودند تارومار کردند و فتحعلی خان قبه ای فرمانروای در بندر کلیدهای شهر در بندر ابری کاترین دویم تزار روس فرستاد اما چون دولت روسیه نمی خواست روابط سیاسی خود را با ایران تیره نماید کلیدها را پنهان نمود و پس فرستاد تا سال ۱۷۹۶ م که آقامحمد خان پادشاه قاجار بگرجستان لشکر کشی کرد سپاهیان روس بفرماندهی ژنرال زدیف پس از یک سال پایداری از در بندر داغستان و گرجستان وار منستان و سراسر قفقاز عقب نشستند . پس از قتل آقامحمد خان هنگام جنگهای اول ایران و روس هنگامیکه در سال ۱۸۰۶ م لشگریان روس بقفقاز و در بندر نزدیک می شدند شیخ علی خان فرمانده پادگان در بندبود ایستاد کی نمود روسها پس از چندی پیروز گشته پس از گشودن در بندر شخصی از اهالی رابنام علی پناه بیک بیچاره او گماشتند و جنگ گلستان (۱۸۱۳-۱۸۰۴ میلادی) پس از ده سال بغلبه روسیه تزاری انجامید و در بندر داغستان وار منستان و گرجستان و آران بر روسیه واکذار شد ، گرچه پس از پیمان گلستان از سال ۱۸۱۳ م در بندر در اختیار ارتش روس گذاشتند ولی چنان که خواهیم گفت در بندر و مردم داغستان سال ها مقاومت کرده وزیر بار روسیه تزاری نمیرفتند .

در حدود سال ۱۸۳۰ میلادی یکی از افسران روس بنام هارینسکی سراسر دیوار در بند را گشته و دیده است و درباره مشاهدات خویش گزارشی برئیس خود که افسری گرجی بوده است بزمان روسي ذو شته است بشرح زیر:

«خرابه این دیوار کهنه که دنیای قدیمرا باین قسمت دنیا که آنوقت هیچ سیاح و مورخی ندیده و نشنیده بود سوامیکند مشهود شداین دیوار یا اسلامیین فارس یا از پادشاهان مدداست و هم صود شان ازین بنام نع دخول طوایف و حشی در هملکت خودشان بود، طایفه وحشی که آنوقت بوده اجداد های بوده اند بپخشید از این اطلاق لفظ (ما) چه اجداد شما گرجی واژ طایفه تربیت شده آن عصر بوده اند مقصود اجداد خودمن است شما که زبان تاتار را خوب میدانید کتاب در بند را مطالعه کنید یقین در آن کتاب ذو شته شده است که این دیوار را سفندیار یا سکندر یا آنوشیروان بنانهاده اند و آنچه معین است این دیوار از دریای خزر شروع و بدریای سیاه منتهی شده است در عظمت دیوار شک نیست در بانیش خلاف است هر که بوده الان در قبر وزیر خاک است و نمیداند که در اینوقت ماقدار بخی مینویسیم و یادی از او میکنیم نه شما زحمت در تجسس پیدا کردن بانی بخود راه بدهید و نه این دروازه آهنه بسته نیست که هانتوانیم با سود کی باقی ها مسدۀ حالیه دیوار را سیر کنیم و بدایم و بدایم که یکی از روزها با حاکم در بند و یکنفر از سلطانهای فوج ساخلوی شهر و جمیعی از بواله و سان که میل تماشا داشتند از شهر بیرون رفتیم میدانید که زمان پطر کبیر چند دفعه روسها این دیوار را که هشت میل عجائب و غرایب اینیه دنیاست سیر کردند...»<sup>۲۲</sup>

بطور یکه در ما خذروں آمدہ است پس از عهدنامه های گلستان و قر کمان چای در بند نواحی داغستان تسلیم قوای روسیه تزاری نشد در سال ۱۹۲۰ ارتش سرخ بداغستان آمد و در ۲۵ مارس همان سال بدر بند را میافتد باز را گافان ایرانی تاسال ۱۹۳۷ در در بند و داغستان بودند و کنسول گری ایران نیز دایر بود.

— نقل از گنج دانش محمد تقی خان حکیم

### در بند امروز

در بند در دامنه کوه تبرسرا واقع شده است، روستا از جنوب شهر بدریا می ریزد و از سمت جنوب هم مرز آران (آذربایجان شوری) و در کنار باختری دریای مازندران واقع است، قسمتی از حصار سنگی شهر و ساختمانهای آن خراب است. قلعه وارگ در بند ۷۷ هکتار مساحت دارد. در دیوارهای سنگی حصار قلعه شهر که از زمان قباد و انسویر و انسوی چندین جا آثار تعمیر دیده میشود دیوارهای حصار باندازهای قطور است که چهار نفر میتوانند با هم روی دیوار قلعه را بر و ند شهر در بند پس از محتاج قلعه دو مین شهر بزرگ داغستان است و هفتاد و پنج هزار نفوی دارد بیشتر مردم آن تاتها هستند که زبانشان فارسی و دینشان یهودی است پس از آن لزگیان و آذربایجانیان هستند که مسلمانند که بیرون از حصار نیز سکونت دارند، درون حصار شهر مسجد بزرگی است با صحن مصفا که در آن پنج درخت چنار کهنسال سایه افکنده است مسجد در سال هفتاد و هفتاد هجری ساخته شده و بنام مسجد جمعه معروف است و مسجد شیعیان است که برخی از اهل تسنن نیز در آن نماز میگذرند شبستان مسجد با صدھا قالیچه فرش شده است که مسلمانان ارمغان داده اند.

در در بند بنای تاریخی و هوزه کوچکی هست که در شکل جای آنها را نشان داده شده . همچنین در خارج از شهر در دامنه کوه چند گورستان بزرگ از مسلمانان و یهودیان (تاتها) و روسها و ارمنیان و گرجیان هست که روی سنگ های گور به فارسی، ترکی عربی، ارمنی و روسی نوشته است.

### شرح جاهای دردز شهر کنوی در بند

- ۱- دروازه غربی در
- ۲- انبار
- ۳- گرمابه امیر در بند
- ۴- انبار
- ۵- زندان زیرزمینی

مکالمہ

<img alt="A map of the city of Isfahan showing its districts and landmarks. The map is roughly rectangular with a jagged coastline on the right. A vertical dashed line runs down the center. The word 'شهر باستانی دربند' (Old City of Darband) is written vertically along the right side of the dashed line. The word 'قایه دربند' (Darband Bone) is written horizontally at the top center. Numerous numbers are scattered across the map, such as 1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9, 10, 11, 12, 13, 14, 15, 16, 17, 18, 19, 20, 21, 22, 23, 24, 25, 26, 27, 28, 29, 30, 31, 32, 33, 34, 35, 36, 37, 38, 39, 40, 41, 42, 43, 44, 45, 46, 47, 48, 49, 50, 51, 52, 53, 54, 55, 56, 57, 58, 59, 60, 61, 62, 63, 64, 65, 66, 67, 68, 69, 70, 71, 72, 73, 74, 75, 76, 77, 78, 79, 80, 81, 82, 83, 84, 85, 86, 87, 88, 89, 90, 91, 92, 93, 94, 95, 96, 97, 98, 99, 100, 101, 102, 103, 104, 105, 106, 107, 108, 109, 110, 111, 112, 113, 114, 115, 116, 117, 118, 119, 120, 121, 122, 123, 124, 125, 126, 127, 128, 129, 130, 131, 132, 133, 134, 135, 136, 137, 138, 139, 140, 141, 142, 143, 144, 145, 146, 147, 148, 149, 150, 151, 152, 153, 154, 155, 156, 157, 158, 159, 160, 161, 162, 163, 164, 165, 166, 167, 168, 169, 170, 171, 172, 173, 174, 175, 176, 177, 178, 179, 180, 181, 182, 183, 184, 185, 186, 187, 188, 189, 190, 191, 192, 193, 194, 195, 196, 197, 198, 199, 200, 201, 202, 203, 204, 205, 206, 207, 208, 209, 210, 211, 212, 213, 214, 215, 216, 217, 218, 219, 220, 221, 222, 223, 224, 225, 226, 227, 228, 229, 230, 231, 232, 233, 234, 235, 236, 237, 238, 239, 240, 241, 242, 243, 244, 245, 246, 247, 248, 249, 250, 251, 252, 253, 254, 255, 256, 257, 258, 259, 260, 261, 262, 263, 264, 265, 266, 267, 268, 269, 270, 271, 272, 273, 274, 275, 276, 277, 278, 279, 280, 281, 282, 283, 284, 285, 286, 287, 288, 289, 290, 291, 292, 293, 294, 295, 296, 297, 298, 299, 299, 300, 301, 302, 303, 304, 305, 306, 307, 308, 309, 310, 311, 312, 313, 314, 315, 316, 317, 318, 319, 320, 321, 322, 323, 324, 325, 326, 327, 328, 329, 330, 331, 332, 333, 334, 335, 336, 337, 338, 339, 339, 340, 341, 342, 343, 344, 345, 346, 347, 348, 349, 349, 350, 351, 352, 353, 354, 355, 356, 357, 358, 359, 359, 360, 361, 362, 363, 364, 365, 366, 367, 368, 369, 369, 370, 371, 372, 373, 374, 375, 376, 377, 378, 379, 379, 380, 381, 382, 383, 384, 385, 386, 387, 388, 389, 389, 390, 391, 392, 393, 394, 395, 396, 397, 398, 399, 399, 400, 401, 402, 403, 404, 405, 406, 407, 408, 409, 409, 410, 411, 412, 413, 414, 415, 416, 417, 418, 419, 419, 420, 421, 422, 423, 424, 425, 426, 427, 428, 429, 429, 430, 431, 432, 433, 434, 435, 436, 437, 438, 439, 439, 440, 441, 442, 443, 444, 445, 446, 447, 448, 449, 449, 450, 451, 452, 453, 454, 455, 456, 457, 458, 459, 459, 460, 461, 462, 463, 464, 465, 466, 467, 468, 469, 469, 470, 471, 472, 473, 474, 475, 476, 477, 478, 479, 479, 480, 481, 482, 483, 484, 485, 486, 487, 488, 489, 489, 490, 491, 492, 493, 494, 495, 496, 497, 498, 499, 499, 500, 501, 502, 503, 504, 505, 506, 507, 508, 509, 509, 510, 511, 512, 513, 514, 515, 516, 517, 518, 519, 519, 520, 521, 522, 523, 524, 525, 526, 527, 528, 529, 529, 530, 531, 532, 533, 534, 535, 536, 537, 538, 539, 539, 540, 541, 542, 543, 544, 545, 546, 547, 548, 549, 549, 550, 551, 552, 553, 554, 555, 556, 557, 558, 559, 559, 560, 561, 562, 563, 564, 565, 566, 567, 568, 569, 569, 570, 571, 572, 573, 574, 575, 576, 577, 578, 579, 579, 580, 581, 582, 583, 584, 585, 586, 587, 588, 589, 589, 590, 591, 592, 593, 594, 595, 596, 597, 598, 598, 599, 599, 600, 601, 602, 603, 604, 605, 606, 607, 608, 609, 609, 610, 611, 612, 613, 614, 615, 616, 617, 618, 619, 619, 620, 621, 622, 623, 624, 625, 626, 627, 628, 629, 629, 630, 631, 632, 633, 634, 635, 636, 637, 638, 639, 639, 640, 641, 642, 643, 644, 645, 646, 647, 648, 649, 649, 650, 651, 652, 653, 654, 655, 656, 657, 658, 659, 659, 660, 661, 662, 663, 664, 665, 666, 667, 668, 669, 669, 670, 671, 672, 673, 674, 675, 676, 677, 678, 679, 679, 680, 681, 682, 683, 684, 685, 686, 687, 688, 689, 689, 690, 691, 692, 693, 694, 695, 696, 697, 698, 698, 699, 699, 700, 701, 702, 703, 704, 705, 706, 707, 708, 709, 709, 710, 711, 712, 713, 714, 715, 716, 717, 718, 719, 719, 720, 721, 722, 723, 724, 725, 726, 727, 728, 729, 729, 730, 731, 732, 733, 734, 735, 736, 737, 738, 739, 739, 740, 741, 742, 743, 744, 745, 746, 747, 748, 749, 749, 750, 751, 752, 753, 754, 755, 756, 757, 758, 759, 759, 760, 761, 762, 763, 764, 765, 766, 767, 768, 769, 769, 770, 771, 772, 773, 774, 775, 776, 777, 778, 779, 779, 780, 781, 782, 783, 784, 785, 786, 787, 788, 789, 789, 790, 791, 792, 793, 794, 795, 796, 797, 798, 798, 799, 799, 800, 801, 802, 803, 804, 805, 806, 807, 808, 809, 809, 810, 811, 812, 813, 814, 815, 816, 817, 818, 819, 819, 820, 821, 822, 823, 824, 825, 826, 827, 828, 829, 829, 830, 831, 832, 833, 834, 835, 836, 837, 838, 839, 839, 840, 841, 842, 843, 844, 845, 846, 847, 848, 849, 849, 850, 851, 852, 853, 854, 855, 856, 857, 858, 859, 859, 860, 861, 862, 863, 864, 865, 866, 867, 868, 869, 869, 870, 871, 872, 873, 874, 875, 876, 877, 878, 879, 879, 880, 881, 882, 883, 884, 885, 886, 887, 888, 889, 889, 890, 891, 892, 893, 894, 895, 896, 897, 898, 898, 899, 899, 900, 901, 902, 903, 904, 905, 906, 907, 908, 909, 909, 910, 911, 912, 913, 914, 915, 916, 917, 918, 919, 919, 920, 921, 922, 923, 924, 925, 926, 927, 928, 929, 929, 930, 931, 932, 933, 934, 935, 936, 937, 938, 939, 939, 940, 941, 942, 943, 944, 945, 946, 947, 948, 949, 949, 950, 951, 952, 953, 954, 955, 956, 957, 958, 959, 959, 960, 961, 962, 963, 964, 965, 966, 967, 968, 969, 969, 970, 971, 972, 973, 974, 975, 976, 977, 978, 979, 979, 980, 981, 982, 983, 984, 985, 986, 987, 988, 989, 989, 990, 991, 992, 993, 994, 995, 996, 997, 998, 998, 999, 999, 1000, 1001, 1002, 1003, 1004, 1005, 1006, 1007, 1008, 1009, 1009, 1010, 1011, 1012, 1013, 1014, 1015, 1016, 1017, 1018, 1019, 1019, 1020, 1021, 1022, 1023, 1024, 1025, 1026, 1027, 1028, 1029, 1029, 1030, 1031, 1032, 1033, 1034, 1035, 1036, 1037, 1038, 1039, 1039, 1040, 1041, 1042, 1043, 1044, 1045, 1046, 1047, 1048, 1049, 1049, 1050, 1051, 1052, 1053, 1054, 1055, 1056, 1057, 1058, 1059, 1059, 1060, 1061, 1062, 1063, 1064, 1065, 1066, 1067, 1068, 1069, 1069, 1070, 1071, 1072, 1073, 1074, 1075, 1076, 1077, 1078, 1079, 1079, 1080, 1081, 1082, 1083, 1084, 1085, 1086, 1087, 1088, 1089, 1089, 1090, 1091, 1092, 1093, 1094, 1095, 1096, 1097, 1098, 1098, 1099, 1099, 1100, 1101, 1102, 1103, 1104, 1105, 1106, 1107, 1108, 1109, 1109, 1110, 1111, 1112, 1113, 1114, 1115, 1116, 1117, 1118, 1119, 1119, 1120, 1121, 1122, 1123, 1124, 1125, 1126, 1127, 1128, 1129, 1129, 1130, 1131, 1132, 1133, 1134, 1135, 1136, 1137, 1138, 1139, 1139, 1140, 1141, 1142, 1143, 1144, 1145, 1146, 1147, 1148, 1149, 1149, 1150, 1151, 1152, 1153, 1154, 1155, 1156, 1157, 1158, 1159, 1159, 1160, 1161, 1162, 1163, 1164, 1165, 1166, 1167, 1168, 1169, 1169, 1170, 1171, 1172, 1173, 1174, 1175, 1176, 1177, 1178, 1179, 1179, 1180, 1181, 1182, 1183, 1184, 1185, 1186, 1187, 1188, 1189, 1189, 1190, 1191, 1192, 1193, 1194, 1195, 1196, 1197, 1198, 1198, 1199, 1199, 1200, 1201, 1202, 1203, 1204, 1205, 1206, 1207, 1208, 1208, 1209, 1210, 1211, 1212, 1213, 1214, 1215, 1216, 1217, 1218, 1219, 1219, 1220, 1221, 1222, 1223, 1224, 1225, 1226, 1227, 1228, 1229, 1229, 1230, 1231, 1232, 1233, 1234, 1235, 1236, 1237, 1238, 1239, 1239, 1240, 1241, 1242, 1243, 1244, 1245, 1246, 1247, 1248, 1249, 1249, 1250, 1251, 1252, 1253, 1254, 1255, 1256, 1257, 1258, 1259, 1259, 1260, 1261, 1262, 1263, 1264, 1265, 1266, 1267, 1268, 1269, 1269, 1270, 1271, 1272, 1273, 1274, 1275, 1276, 1277, 1278, 1279, 1279, 1280, 1281, 1282, 1283, 1284, 1285, 1286, 1287, 1288, 1289, 1289, 1290, 1291, 1292, 1293, 1294, 1295, 1296, 1297, 1298, 1298, 1299, 1299, 1300, 1301, 1302, 1303, 1304, 1305, 1306, 1307, 1308, 1308, 1309, 1310, 1311, 1312, 1313, 1314, 1315, 1316, 1317, 1318, 1319, 1319, 1320, 1321, 1322, 1323, 1324, 1325, 1326, 1327, 1328, 1329, 1329, 1330, 1331, 1332, 1333, 1334, 1335, 1336, 1337, 1338, 1339, 1339, 1340, 1341, 1342, 1343, 1344, 1345, 1346, 1347, 1348, 1349, 1349, 1350, 1351, 1352, 1353, 1354, 1355, 1356, 1357, 1358, 1359, 1359, 1360, 1361, 1362, 1363, 1364, 1365, 1366, 1367, 1368, 1369, 1369, 1370, 1371, 1372, 1373, 1374, 1375, 1376, 1377, 1378, 1379, 1379, 1380, 1381, 1382, 1383, 1384, 1385, 1386, 1387, 1388, 1389, 1389, 1390, 1391, 1392, 1393, 1394, 1395, 1396, 1397, 1398, 1398, 1399, 1399, 1400, 1401, 1402, 1403, 1404, 1405, 1406, 1407, 1408, 1408, 1409, 1410, 1411, 1412, 1413, 1414, 1415, 1416, 1417, 1418, 1419, 1419, 1420, 1421, 1422, 1423, 1424, 1425, 1426, 1427, 1428, 1429, 1429, 1430, 1431, 1432, 1433, 1434, 1435, 1436, 1437, 1438, 1439, 1439, 1440, 1441, 1442, 1443, 1444, 1445, 1446, 1447, 1448, 1449, 1449, 1450, 1451, 1452, 1453, 1454, 1455, 1456, 1457, 1458, 1459, 1459, 1460, 1461, 1462, 1463, 1464, 1465, 1466, 1467, 1468, 1469, 1469, 1470, 1471, 1472, 1473, 1474, 1475, 1476, 1477, 1478, 1479, 1479, 1480, 1481, 1482, 1483, 1484, 1485, 1486, 1487, 1488, 1489, 1489, 1490, 1491, 1492, 1493, 1494, 1495, 1496, 1497, 1498, 1498, 1499, 1499, 1500, 1501, 1502, 1503, 1504, 1505, 1506, 1507, 1508, 1508, 1509, 1510, 1511, 1512, 1513, 1514, 1515, 1516, 1517, 1518, 1519, 1519, 1520, 1521, 1522, 1523, 1524, 1525, 1526, 1527, 1528, 1529, 1529, 1530, 1531, 1532, 1533, 1534, 1535, 1536, 1537, 1538, 1539, 1539, 1540, 1541, 1542, 1543, 1544, 1545, 1546, 1547, 1548, 1549, 1549, 1550, 1551, 1552, 1553, 1554, 1555, 1556, 1557, 1558, 1559, 1559, 1560, 1561, 1562, 1563, 1564, 1565, 1566, 1567, 1568, 1569, 1569, 1570, 1571, 1572, 1573, 1574, 1575, 1576, 1577, 1578, 1579, 1579, 1580, 1581, 1582, 1583, 1584, 1585, 1586, 1587, 1588, 1589, 1589, 1590, 1591, 1592, 1593, 1594, 1595, 1596, 1597, 1598, 1598, 1599, 1599, 1600, 1601, 1602, 1603, 1604, 1605, 1606, 1607, 1608, 1608, 1609, 1610, 1611, 1612, 1613, 1614, 1615, 1616, 1617, 1618, 1619, 1619, 1620, 1621, 1622, 1623, 1624, 1625, 1626, 1627, 1628, 1629, 1629, 1630, 1631, 1632, 1633, 1634, 1635, 1636, 1637, 1638, 1639, 1639, 1640, 1641, 1642, 1643, 1644, 1645, 1646, 1647, 1648, 1649, 1649, 1650, 1651, 1652, 1653, 1654, 1655, 1656, 1657, 1658, 1659, 1659, 1660, 1661, 1662, 1663, 1664, 1665, 1666, 1667, 1668, 1669, 1669, 1670, 1671, 1672, 1673, 1674, 1675, 1676, 1677, 1678, 1679, 1679, 1680, 1681, 1682, 1683, 1684, 1685, 1686, 1687, 1688, 1689, 1689, 1690, 1691, 1692, 1693, 1694, 1695, 1696, 1697, 1698, 1698, 1699, 1699, 1700, 1701, 1702, 1703, 1704, 1705, 1706, 1707, 1708, 1708, 1709, 1710, 1711, 1712, 1713, 1714, 1715, 1716, 1717, 1718, 1719, 1719, 1720, 1721, 1722, 1723, 1724, 1725, 1726, 1727, 1728, 1729, 1729, 1730, 1731, 1732, 1733, 1734, 1735, 1736, 1737, 1738, 1739, 1739, 1740, 1741, 1742, 1743, 1744, 1745, 1746, 1747, 1748, 1749, 1749, 1750, 1751, 1752, 1753, 1754, 1755, 1756, 1757, 1758, 1759, 1759, 1760, 1761, 1762, 1763, 1764, 1765, 1766, 1767, 1768, 1769, 1769, 1770, 1771, 1772, 1773, 1774, 1775, 1776, 1777, 1778, 1779, 1779, 1780, 1781, 1782, 1783, 1784, 1785, 1786, 1787, 1788, 1789, 1789, 1790, 1791, 1792, 1793, 1794, 1795, 1796, 1797, 1798, 1798, 1799, 1799, 1800, 1801, 1802, 1803, 1804, 1805, 1806, 1807, 1808, 1808, 1809, 1810, 1811, 1812, 1813, 1814, 1815, 1816, 1817, 1818, 1819, 1819, 1820, 1821, 1822, 1823, 1824, 1825, 1826, 1827, 1828, 1829, 1829, 1830, 1831, 1832, 1833, 1834, 1835, 1836, 1837, 1838, 1839, 1839, 1840, 1841, 1842, 1843, 1844, 1845, 1846, 1847, 1848, 1849, 1849, 1850, 1851, 1852, 1853, 1854, 1855, 1856, 1857, 1858, 1859, 1859, 1860, 1861, 1862, 1863, 1864, 1865, 1866, 1867, 1868, 1869, 1869, 1870, 1871, 1872, 1873, 1874, 1875, 1876, 1877, 1878, 1879, 1879, 1880, 1881, 1882, 1883, 1884, 1885, 1886, 1887, 1888, 1889, 1889, 1890, 1891, 1892, 1893, 1894, 1895, 1896, 1897, 1898, 1898, 1899, 1899, 1900, 1901, 1902, 1903, 1904, 1905, 1906, 1907, 1908, 1908, 1909, 1910, 1911, 1912, 1913, 1914, 1915, 1916, 1917, 1918, 1919, 1919, 1920, 1921, 1922, 1923, 1924, 1925, 1926, 1927, 1928, 1929, 1929, 1930, 1931, 1932, 1933, 1934, 1935, 1936, 1937, 1938, 1939, 1939, 1940, 1941, 1942, 1943, 1944, 1945, 1946, 1947, 1948, 1949, 1949, 1950, 1951, 1952, 1953, 1954, 1955, 1956, 1957, 1958, 1959, 1959, 1960, 1961, 1962, 1963, 1964, 1965, 1966, 1967, 1968, 1969, 1969, 1970, 1971, 1972, 1973, 1974, 1975, 1976, 1977, 1978, 1979, 1979, 1980, 1981, 1982, 1983, 1984, 1985, 1986, 1987, 1988, 1989, 1989, 1990, 1991, 1992, 1993, 1994, 1995, 1996, 1997, 1998, 1998, 1999, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2049, 2050, 2051,

- ۶- کاخ نادری
- ۷- حوض فواره
- ۸- زندان نظامی - پاسدارخانه
- ۹- دروازه شرقی در
- ۱۰- سنگ گور اسفندیار (شاید این نام اسفندیار اف یا اسفندیاران است)  
چون هردو در زبان روسی به یک شکل نوشته میشود چه اسم خاص باشد و  
چه جمع.
- ۱۱- دروازه قلعه قاپی (دروازه در)
- ۱۲- دروازه جارچی (جارچی قاپی)
- ۱۳- مسجد و مناره آن
- ۱۴- آب انبار
- ۱۵- آب انبار
- ۱۶- کلیسا - مسجد (مسجد کلیسا)
- ۱۷- جمیع مساجد (مسجد جمیع)
- ۱۸- گرمابه قدیمی
- ۱۹- دروازه قیر خلا (قیر خلا قاپی)
- ۲۰- مسجد قیر خلا (قیر خلا مسجد)
- ۲۱- حمام قدیم در
- ۲۲- آرامگاه امیران در بند
- ۲۳- گورستان قیر خلا
- ۲۴- دروازه بیات (بیات قاپی)
- ۲۵- سنگ گور بنام جوم جوم؟
- ۲۶- دروازه میانه (اورتا قاپی)

۲۷- دروازه دوبری (دوبیری قاپی)

۲۸- دروازه شروان (اکنون شورین معروف است که در شروان است)

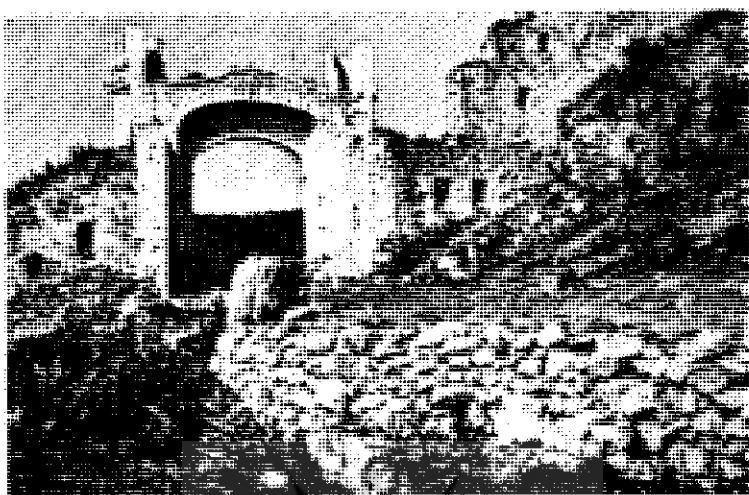
۲۹- هوزه دربند که هوزه کوچکی از وسایل نظامی است

۳۰- همان خاده آگنی (آتش) آگنی نام اوستائی آتش است و نام یکی از

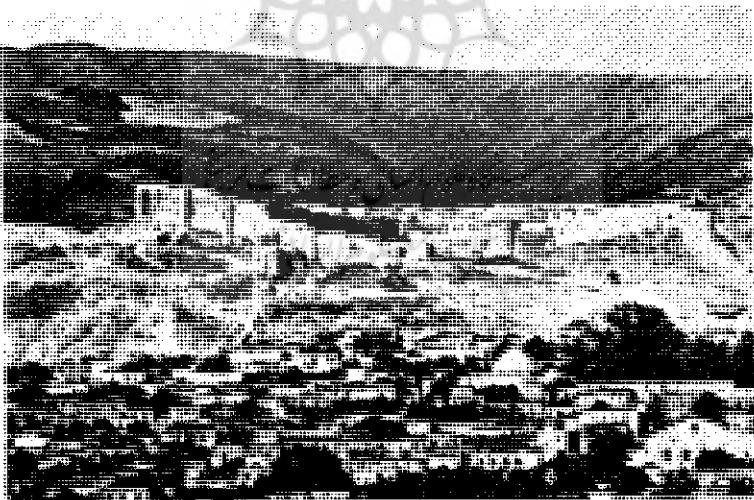
خدایان هندی که آتش را نگهبانی کند و شاید اینجا آتشکده زرتشتی بوده .



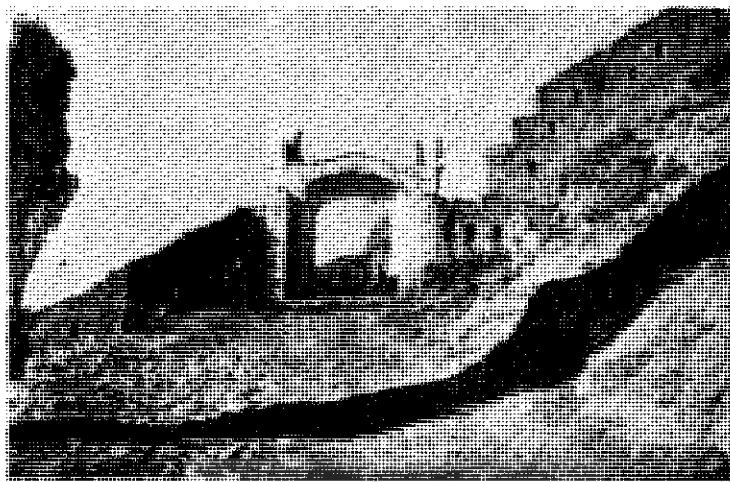
دهقونی یکی از آبادیهای آوار که «شامل» در آنجا دستگیر شد .



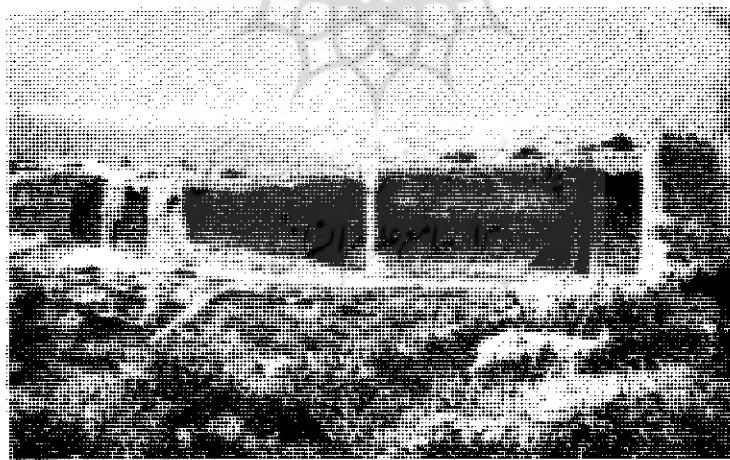
دروازه‌ای سر راه قونی آوار



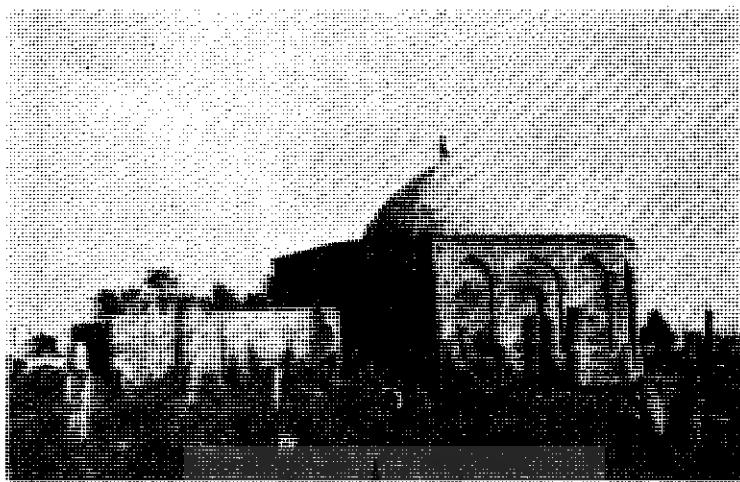
قلعه دربند و شهر تازه پائین دربند کنار دریای خزر



دروازه «شامل» که راه آن به قونی شمالی منتهی می شود



نارین قلعه از شیب شرقی کوه جانگان از آثار سده ششم میلادی



آرامگاه امیران در بنده از سده هیجدهم میلادی



خرابهای گرمابه در نارین قلعه در بنده از سده هفدهم میلادی

دریایی

# مازندران

رود کما

خرج  
قایتاق  
نهر قمچ

(وربند) با باب الایوان  
با شاهزاده سرات  
پاپیران سامور لارک

شوان شکی

شماخی

منته

راه ها

خط کشی راه

کیلومتر ۵

موقعیت دربند در کنار دریایی مازندران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرستال جامع علوم انسانی